جامعه‌شناسی تاریخی
دورهٔ ۹، شمـارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹٦

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه مرحله تثبیت دموکراتیک با تأکید بر عامل احزاب سیاسی (۱۹۸۰- ۲۰۰۹)

علی ساعی[۱]، اعظم مقدس[۲]،مسعود غفاری[۳]

(تاریخ دریافت:۱۳۹٤/۱۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹٦/۱۰/۰۵)

چکیده

موضوع این مقاله تحلیل دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه است. در قسمت بیان مساله از طریق ارایه شواهد تجربی نشان داده شده است که دموکراتیزاسیون در ایران در مرحله گذار توقف کرده و در ترکیه بتدریج به مرحله تثبیت دموکراتیک وارد شده است. مدل نظری پژوهش با مروری بر نظریه‌های دموکراتیزاسیون، تثبیت دموکراسی و احزاب سیاسی فرموله و براساس آن این فرضیه ارایه شده است که: «احزاب سیاسی نهادمند، شرط لازم برای تثبیت دموکراتیک» است. پژوهش حاضر با روش تطبیقی تاریخی و در دو سطح درون سیستمی و بین سیستمی انجام شده است. شواهد دلالت بر آن دارد که تفاوت در سطح نهادمندی احزاب سیاسی در ترکیه و ایران به تفاوت درتجربه دموکراتیزاسیون در آن کشورهاا منجر شده است. حضور احزاب سیاسی نهادمند در ترکیه، از سال ۲۰۰۲ انتقال تدریجی به مرحله تثبیت دموکراتیک را تسهیل کرده است، در حالی که ضعف نهادمندی احزاب سیاسی در ایران موجب شده است که دموکراتیزاسیون در مرحله گذار توقف کند و تثبیت دموکراسی آغاز نشود.

---

۱. دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران نویسنده مسئول
Saeia@modares.ac.ir
۲. دانش آموخته دکتری دانشگاه تربیت مدرس، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
A.moghadas@pnu.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران Ghaffari@modares.ac.ir

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

کلیدواژگان: دموکراتیزاسیون، تثبیت دموکراتیک، احزاب سیاسی نهادمند، ایران، ترکیه

طرح مسأله

تاریخ معاصر ایران و ترکیه شاهد تلاش‌های دموکراسی‌خواهانه متعددی بوده است. این تلاش‌ها را می‌توان مصادیقی از دموکراتیزاسیون[1] تلقی کرد. دموکراتیزاسیون فرایندی است که در سه مرحله رخ می‌دهد: فروپاشی رژیم اقتدارگرا[2]، گذار دموکراتیک[3] و تثبیت دموکراتیک[4]. در مرحله نخست ساختارها و فرایندهای اقتدارگرایانه فرو می‌پاشند و در مرحله بعد با ساختارها و فرایندهای دموکراتیک جایگزین می‌شوند. در مرحله تثبیت، این ساختارها و فرایندها نهادینه می‌شوند و مشروعیت آنها از سوی تمام بازیگران و نیروهای سیاسی پذیرفته می‌شود. در این مرحله دموکراسی استقرار می‌یابد (ر.ک. اودانل و همکاران، ۱۹۸۶؛ دیاموند، ۱۹۹۹؛ لینز و استپان، ۱۹۹۸؛ ساعی، ۱۳۸۶).

به دلیل اهمیت مرحله تثبیت دموکراتیک[5] در تحقق دموکراسی، در این پژوهش تمرکز بر مرحله تثبیت دموکراتیک است. در باب تثبیت دموکراتیک دو رویکرد وجود دارد: برداشت حداقلی[6] که نبود چالش‌گران جدی در مقابل مشروعیت نهادهای دموکراتیک و خصوصاً رواج انتخابات آزاد و رقابتی را نشانه تثبیت می‌داند و برداشت حداکثری[7] که معطوف به تضمین حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی و درونی‌شدن ارزش‌های دموکراتیک در نهاد شهروندان است (اشمیتر، ۱۹۹۳؛ لینز و استپان، ۱۹۹۶؛ دیاموند، ۱۹۹۹). در این حالت تمام بازیگران سیاسی از نخبگان و سازمان‌ها تا توده مردم می‌پذیرند که رژیم دموکراتیک در مقایسه با هر

---

1. Democratization
2. The Breakdown of Authoritarian Rule
3. Democratic Transition
4. Democratic Consolidation

۵. با توجه به تفاوت میان تثبیت دموکراتیک به عنوان یک وضعیت، یا به صورت مرجح، دموکراسی تثبیت‌شده (consolidated democracy) و تثبیت دموکراتیک به مثابه یک فرایند، در اینجا برداشت فرایندی از این مفهوم مورد نظر بوده است.

6. Minimalist Conception
7. Maximalist Conception

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

گزینه قابل تصور دیگری درست‌ترین و مناسب‌ترین رژیم برای جامعه آنهاست (اشدلر، ۱۹۹۷؛ اشمیتر و کارل، ۱۹۹٤؛ دیاموند، ۱۹۹۹).

در این نوشتار پذیرش قواعد و ارزش‌های دموکراتیک از سوی بازیگران سیاسی در تمام سطوح (نخبگان، سازمان‌ها و عامه مردم)، ساختارها و رویه‌های دموکراتیک مثل به رسمیت شناختن آزادی‌های مدنی، انتخابات منظم آزاد و عادلانه، مشارکت، کنترل نظامیان و جلوگیری از مداخله آنها در سیاست، معرف‌های تثبیت دموکراتیک دانسته می‌شوند. نقض هر یک از این معرف‌ها مصداق تثبیت نشدن دموکراسی خواهد بود.

در ایران وقایعی مثل انقلاب مشروطه در ۱۲۸۵، جنبش ملی مصدق در دهه ۱۳۳۰، انقلاب ۱۳۵۷، دوره اصلاحات در ۱۳۷٦ نمونه‌هایی از تلاش‌های دموکراتیزاسیون به شمار می‌آیند که با وجود تحقق مراحل اول و دوم، از ورود به مرحله تثبیت دموکراتیک بازمانده‌اند.

دموکراتیزاسیون در انقلاب مشروطه‌خواهی با وقایعی مانند انحلال مجلس شورای ملی (نهاد دموکراتیک) از سوی محمد علی شاه و ظهور استبداد صغیر و کودتای رضاخان (مداخله نظامیان در سیاست) در ۱۲۹۹ از ورود به مرحله تثبیت باز ماند. واقعه دموکراتیک ملی با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به شکست انجامید. سانسور، خشونت علیه مخالفان، محدود شدن فضای باز سیاسی، تضعیف احزاب و نهادهای مدنی[1] و در مجموع دوره بیست و پنج ساله دیکتاتوری محمدرضا شاه نشانه بازگشت اقتدارگرایی بود (عظیمی، ۱۳۸٤؛ آبراهامیان، ۱۳۹۰؛ کرونین، ۱۳۸۵). بعد از انقلاب ۱۳۵۷ نیز تداوم گذار پس از فروپاشی رژیم اقتدارگرای پهلوی، ناموفق بود. آزادی‌های مدنی و سیاسی مندرج در قانون اساسی در عمل نادیده گرفته شدند، اصل شوراها تا دهه دوم پیروزی انقلاب به اجرا در نیامد و فعالیت مطبوعات و احزاب و جریان‌های سیاسی مخالف و منتقد با موانعی روبه‌رو شد[2]. این وضعیت پس از پیروزی جنبش

---

۱. برای مثال: انحلال حزب ایران (ستون اصلی جبهه ملی) در سال ۱۳۳٦، تشکیل ساواک (پلیس مخفی)، تشکیل دو حزب با دستور شاه، احزاب ملیون و مردم که به احزاب « بله قربان» و« چشم قربان» معروف بودند، و در سال‌های بعد احزاب ایران نوین و رستاخیز، و تقلب در انتخابات (ر.ک. آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ فوران، ۱۳۸۲).

۲ در مرداد سال ۱۳۵۸ قریب به ۲۲ روزنامه و مجله توقیف شدند که تعدادی مربوط به سازمان‌ها و احزاب سیاسی بودند، مانند پیکار، کار، مردم، جوان، کارگر و بهلول (محسنیان راد، ۱۳۷۵). همچنین انحلال سازمان‌های

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

اصلاحات در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری (خرداد ۱۳۷٦) تداوم داشت. قدرت گرفتن نو محافظه‌کاران[1] در اواسط دهه ۱۳۸۰، نظامی شدن سیاست[2] و ضعف نهادهای مدنی در سال‌های بعد نیز مانع عبور از مرحله گذار در ایران شدند (رحیمی، ۲۰۰۷؛ جهانبگلو، ۲۰۱۰).

تقریباً هم‌زمان با تحولات مشروطه‌خواهی در ایران، در ترکیه ائتلافی از چند گروه سیاسی تجدد خواه اعم از ملی‌گرا، مشروطه‌خواه و اصلاح‌طلب به نام ترکان جوان علیه سلطان عبدالحمید دوم فعالیت می‌کردند. در نهایت شورش بخشی از نظامیان و انقلاب ترکان جوان در ۱۹۰۸ عبدالحمید را وادار به پذیرش اصلاحات، قانون اساسی و احیای مجلس نمایندگان کرد.

با انتقال از نظام تک‌حزبی به چندحزبی از ۱۹٤٦ تا کودتای ۲۷ می ۱۹٦۰ تلاش‌های دموکراتیکی صورت گرفت[3] (مولتو اولاس، ۲۰۱۱؛ فاضلی، ۱۳۸۹). در ۱۹۵۰ حزب دموکرات[4] با اکثریت قاطع پیروز انتخابات شد، دموکراسی چند حزبی انتقال قدرت را محقق ساخت و حزب جمهوری‌خواه خلق در جایگاه اپوزیسیون قرار گرفت. این حزب پس از ۲۵ سال قدرت را به شکل مسالمت‌آمیز و با رقابتی آزاد واگذار کرد. با این حال توطئه علیه حزب دموکرات از اوایل ۱۹۵٤ شروع شد و ارتش در نهایت دولت حزب دموکرات را سرنگون کرد.

اصلی نیروهای چپ مثل فداییان خلق و تصفیه بلوک قدرت از گروه‌های سیاسی لیبرال پس از دولت موقت نمونه‌ای از این تقابل به شمار می‌رود (بشیریه، ۱۳۸۲؛ هیرو، ۱۳۸٦).

۱ پس از شکست محافظه‌کاران در مجلس ششم، نسل جوان‌تر محافظه‌کاران به رهبری جامعه اسلامی مهندسین دیدگاه خود را به پیام‌های مدرن‌تری تغییر دادند. آبادگران ایران اسلامی با شعار اصول‌گرایی در اندیشه، نوگرایی در روش و همگرایی در عمل، از ابتدای دهه ۱۳۸۰ خروجی جدید نومحافظه‌کاران هستند (ر.ک. پوش، ۲۰۰۵).

۲ پیوند نزدیک دولت نهم و دهم با نیروهای نظامی و قرار گرفتن رهبران نظامی در مناصب سیاسی مصادیقی از این وضعیت هستند (هیرو، ۱۳۸٦؛ احتشامی و زوئیری، ۲۰۱۰).

۳. با تأسیس احزاب جدید تعداد سیاستمداران با پیشینه نظامی در پارلمان به ۳ تا ۵ درصد کاهش یافت و متخصصانی مثل وکلا و پزشکان، همچنین تجار و کارفرمایان در صحنه سیاسی ظاهر شدند (مولتو اولاس، ۲۰۱۱)

4. Democratic party(DP)

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

یک دهه بعد ارتش دوباره کودتا کرد. بهانه آن‌ها این بار ظهور گروه‌های افراطی جناح‌های چپ و راست در صحنه سیاسی و اقدامات خشونت‌آمیز برخی از آن‌ها بود که با رادیکالیسم دانشجویی و افراطی شدن فزاینده طبقه کارگر همراه شده بود. ارتش با اولتیماتوم ۱۲ مارس ۱۹۷۱ دولت حزب عدالت[1] را مجبور به استعفا کرد (اوزبودن، ۲۰۰۰:۳۳). همچنین در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ ترکیه با کودتای ژنرال کنان اورن علیه دولت ائتلافی دمیرل و اجویت روبه‌رو شد (مولتو اولاس، ۲۰۱۱:۱۸؛ هیل، ۱۹۹٤:۱۸۷). از این زمان تا انتخابات پارلمان در ۱۹۸۳، ارتش از طریق حکومت نظامی، انحلال احزاب، دستگیری رهبران حزبی، کنترل نهادهای مدنی و اعمال محدودیت بر آن‌ها فرایند دموکراتیزاسیون ترکیه را مختل کرد. در ۱۹۸۳ قدرت تحت شرایطی[2] که ارتش فراهم کرده بود به غیر نظامیان بازگشت.

از آغاز دهه ۱۹۹۰ نفوذ ارتش در سیاست از سوی جامعه مدنی و نیز از سوی اتحادیه اروپا مورد چالش قرار گرفت و از راه اصلاحات قانونی (مثل قانون نظارت بر منابع مالی ارتش، کاهش تعداد اعضای نظامی شورای امنیت ملی ترکیه و واگذاری ریاست شورا به اعضای غیرنظامی) مداخله نظامیان در سیاست کاهش یافت (اوزگل، ۲۰۰۳؛ ایکمان، ۲۰۱۲). با کاهش قدرت ارتش و تقویت نهادهای مدنی و سیاسی و اراده رهبران آن‌ها در التزام به قواعد دموکراتیک[3]، به تدریج زمینه ورود ترکیه به مرحله تثبیت فراهم شد (ایلدیریم، ۲۰۱۵؛ آکنر، ۲۰۱۲؛ ایلماز، ۲۰۱۱؛ آیدن، ۲۰۱۲).

بر مبنای شواهد فوق سوال پژوهش ناظر به تفاوت جایگاه ایران و ترکیه در فرایند دموکراتیزاسیون و در مرحله تثبیت دموکراسی است و به این صورت قابل طرح است که «*چرا*

---

1. Justic party(JP)

۲. ارتش از میان هفت حزب سیاسی فقط به سه حزب اجازه شرکت در انتخابات داد: مام میهن (ANAP)، حزب مردم (HP) و حزب دموکراسی ملی (MDP).

۳. برای نمونه اتحادیه تجار و صنعتگران ترک (TUSIAD) خواستار تحدید نقش ارتش شده و از حقوق مدنی حمایت کردند، همچنین پذیرفتن پیروزی عدالت و توسعه با وجود نگرانی سکولارها از گرایش‌های مذهبی رهبران این حزب نشان می‌دهد گروه‌های مختلف به فرایندهای دموکراتیک احترام می‌گذارند. در برنامه احزاب نیز همواره به اجماع، مصالحه و تساهل اشاره می‌شود و رهبران خود را متعهد به آن معرفی می‌کنند (ر.ک. کارک اوغلو و کالایچی اوغلو، ۲۰۰۷؛ پرک، ۲۰۱۱).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

دموکراتیزاسیون در ایران در مرحله گذار توقف یافته و در ترکیه به مرحله تثبیت دموکراتیک وارد شده است؟»

برای پاسخ به این پرسش به تئوری‌های دموکراتیزاسیون، جامعه مدنی و نظام‌های حزبی رجوع شده است.

۱. دستگاه نظری

تئوری‌های دموکراتیزاسیون عموماً در دسته‌بندی‌های ساختاری و عاملیت محور قرار می‌گیرند. در رویکرد نخست بر متغیرهای ساختاری تأکید می‌شود که احتمال دموکراسی شدن کشورها به آن‌ها وابسته است. تئوری مدرنیزاسیون و تأکید بر سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی در این رویکرد قابل ذکر است (ر.ک. لیپست، ۱۹۵۹ و ۱۹۹٤؛ اسکاچ‌پل، ۱۳۷٦؛ مور، ۱۳۸۲؛ هانتینگتن، ۱۳۷۳). جبرگرایی این تئوری‌ها و تأکید بر یک علت در گذار به دموکراسی سبب نقد این رویکرد در محافل علمی شد.

دسته دیگری از تئوری‌ها بر بازیگران سیاسی (به طور خاص نخبگان) و استراتژی‌های آن‌ها تأکید دارند و اگر چه اهمیت عوامل اجتماعی اقتصادی را انکار نمی‌کنند، معتقدند کنشگران می‌توانند انتخاب‌هایی صورت دهند و تصمیماتی بگیرند که احتمال پایداری و ثبات رژیم را افزایش یا کاهش می‌دهد (ر.ک. لینز، ۱۹۹۰؛ اودانل و همکاران، ۱۹۸٦؛ کارل، ۱۹۹۰؛ هیگلی و برتون، ۱۹۸۹).

نظریات ساختاری و عاملیت محور بیشتر بر فرایندها و زمینه‌های مناسب برای آغاز گذار متمرکز بوده و به دلیل تقلیل‌گرایی خاص خود در سطح ساختار یا عاملیت مورد انتقاد بوده‌اند (ر.ک. گروگل، ۲۰۰۲؛ مانک، ۱۹۹٤). در حالی که مفهوم‌سازی‌های متفاوتی از دموکراتیزاسیون در رهیافت گذار وجود دارد[1]، انطباق بخش مهمی از تئوری‌های رویکرد ساختاری بر تجربه دموکراتیزاسیون ایران و ترکیه در مقاطعی امکان‌پذیر نبوده است. برای مثال ایران و ترکیه هر

---

۱. مثل تأکید اودانل و اشمیتر بر ریشه‌های گذار سیاسی (۱۹٦۸) و تمرکز هانتینگتن بر عواملی که به فرایند دموکراتیزاسیون شکل می‌دهند (۱۹۹۱).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

دو شاهد رشد شهرنشینی، گسترش سطح آموزش، افزایش طبقه متوسط به عنوان محورهای تأکید تئوری مدرنیزاسیون بوده‌اند، ولی این وضعیت مانع از بازگشت اقتدارگرایی در ایران و کودتای نظامیان در ترکیه نشده بود.

با توجه به تأکید این مقاله بر مرحله تثبیت و الزامات نظری و مفهومی آن، رویکردی اجتماعی برای مطالعه تجربه ایران و ترکیه انتخاب شد در این رویکرد از مفهوم جامعه مدنی و بازیگران مدنی استفاده می‌شود، با این راهبرد بر فضایی تأکید می‌کنیم که در آن نهادهای مدنی به مثابه ساختار و کنشگران حاضر در این نهادها به مثابه عاملان حضور هم‌زمان دارند. توجه به جامعه مدنی به این دلیل اهمیت دارد که عامه مردم و نهادهایی که در میان مردم ریشه دوانده و با مشارکت آن‌ها ادراه می‌شود در گذار و تثبیت دموکراتیک تأثیرگذار هستند. مردم باید به لحاظ هنجاری و رفتاری به دموکراسی و اصول آن ملتزم باشند و برای آن سازمان یابند، تحقق عامه مدنی تنها از طریق جامعه مدنی فعال و پویا امکان‌پذیر است (ر.ک. دیاموند، ۱۹۹۹: ٦٩ و ۲۲۱).

اهمیت نهادها و فعالیت‌های جوامع مدنی برای دموکراسی از گذشته مورد توجه بوده است. برای مثال در میان آثار کلاسیک، توکویل[1] به دنبال شروطی است که دموکراسی را باثبات می‌کند و در کتاب «تحلیل دموکراسی در امریکا» این را در جامعه مدنی پویا و هوشیار و نهادهایی می‌بیند که از قدرت تمرکز زدایی می‌کنند (ر.ک. توکویل، ۱۳۸۳). از نظر او دولت به مثابه سازمان به طور ذاتی به سمت تمرکز رانده می‌شود، مگر این‌که نیروهای اجتماعی این گرایش را تحت کنترل در آورند، در غیر این صورت رژیمی استبدادی نتیجه طبیعی خواهد بود. سازمان یافتن نیروهای اجتماعی در قالب نهادها و اجتماعات مدنی به آن‌ها قدرت می‌دهد. انجمن‌ها در نظر توکویل چون مدرسه ای برای دموکراسی، ارزش‌های دموکراتیک را آموزش می‌دهند.

از نظر بیتهام[2] زندگی انجمنی جایی است که در آن سرراست‌ترین شکل دموکراسی را تجربه می‌کنیم، می‌توانیم درباره سیاست‌ها و اقدامات گروه خود به بحث بپردازیم و در اجرای

1 Tocqueville
2 Beetham

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

آن‌ها مشارکت کنیم (بیتهام، ۱۳۸۹:٦۵). از نظر پاکستون[1] انجمن‌های داوطلبانه به اعضا کمک می‌کنند مصالحه و سازش را تمرین کنند و تساهل را بیاموزند (پاکستون، ۲۰۰۲:۲۵۵).

ولزل[2] و اینگلهارت[3] می‌ویسند عملی شدن دموکراسی نیازمند فرهنگ مدنی میان است و این کاری است که نهادهای جامعه مدنی انجام می‌دهند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹). انجمن‌های مدنی به سازماندهی مخالفت پرداخته و موجب اعتبار اپوزیسیون وفادار می‌شوند. به این ترتیب تهدید فرایندهای سیاسی غیرعادی و نابهنجار به حداقل می‌رسد و دموکراسی دوام می‌یابد.

در مسیر تثبیت دموکراتیک، آن‌چه به جامعه مدنی اهمیت ویژه‌ای می‌دهد، ماهیت نیروهایی است که در این عرصه فعالیت دارند. در نظریات لینز و استپان[4] با تعریفی از جامعه مدنی روبه‌رو هستیم که بر ضرورت ویژگی خاصی در این مفهوم تأکید دارد. از نظر آن‌ها جامعه مدنی شامل تمام نیروهای سازمان یافته جامعه (از احزاب سیاسی تا بنگاه‌های تجاری) است که در صدد بیان نگرانی خود از رژیم یا قدرت‌های سو استفاده‌گر است، حوزه‌ای از جامعه که در آن افراد و گروه‌های خودسامان از دولت استقلال نسبی دارند، می‌کوشند ارزش‌ها را صورت‌بندی کنند و منافع خود را پیش ببرند (۱۹۹٦:۷). آن‌ها می‌نویسند برای این‌که تثبیت دموکراتیک اتفاق بیافتد جامعه مدنی باید به جامعه سیاسی[5] تبدیل شود. جامعه سیاسی، حوزه و قلمرویی است که در آن جامعه خود را خاص برای حق مشروع اعمال کنترل بر قدرت عمومی و دستگاه دولتی سازمان می‌دهد و به آرایش نیرو می‌پردازد (لینز و استپان، ۱۹۹٦:۸). باید در جامعه مدنی به دنبال مجموعه‌ای بود که بیش از هر انجمن و نهاد داوطلبانه دیگری سیاسی باشد و برای حق مشروع اعمال کنترل بر قدرت عمومی وارد رقابت شود؛ ظاهراً آشکارترین نمونه برای چنین کیفیتی احزاب سیاسی هستند.

---

1 Paxton
2 Welzel
3 Inglehart
4. Linz and Stepan
5. Political Society

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

احزاب سیاسی ابزارهای مهمی برای نمایندگی منافع حوزه‌های انتخابیه، تجمیع مطالبات و ترجیحات، جذب نیرو و اجتماعی کردن اعضا طبق اصول دموکراتیک، آموزش نامزدها برای پست‌های سیاسی و ساختاربخشی به مشارکت توده‌ها هستند. با این حال تأثیرگذاری احزاب بر تثبیت منوط به نهادمندی آن‌هاست (مورلینو، ۱۹۹۵). ارزیابی نهادمندی احزاب با معیارهای مختلفی صورت گرفته است که با حذف موارد مشابه می‌توان به این موارد اشاره کرد: استقلال، قابلیت انطباق، ثبات الگوی رقابت میان احزاب، پایگاه اجتماعی گسترده، مشروعیت احزاب، انسجام سازمانی(هانتینگتن، ۱۹۹۲؛ پریدهام، ۱۹۹۵؛ مینوارینگ و اسکولی، ۱۹۹۵؛ گونتر و دیاموند، ۲۰۰۱). البته باید به این نکته توجه داشت که اگر این نهادها نتوانند ارزش‌های دموکراتیک را در ساختار سازمانی و امور داخلی خود محکم و مستقر نمایند و در عوض چارچوب سازمانی تمرکزگرایی مثل دولت را اتخاذ کنند، در نهایت در دام فشارهای بوروکراتیک گرفتار می‌شوند و نخواهند توانست سیاست‌های شفاف، مشارکتی و دموکراتیک را دنبال کنند (وارن، ۱۹۹۹). سود رساندن آن‌ها برای دموکراسی منوط است به این‌که تا چه اندازه این اجزا در جوهر و ساختار درونی خود مدنی، دموکراتیک، تساهل گرا، کثرت‌گرا، با ثبات و متمایل به سازش هستند (دیاموند، ۱۹۹۹: ۲۲۷؛ آرمونی، ۲۰۰٤: ۱۹۵؛ کامروا، ۲۰۰۷: ۲۰٦).

احزاب سیاسی از ضروریات دموکراسی قدرتمند هستند، چنان‌چه هنجارها و رفتارهای دموکراتیک در میان آن‌ها نهادینه شود، می‌توانند این هنجارها و رفتارها را به دو سطح نخبگان سیاسی و توده مردم تسری دهند زیرا ارتباط مستمر و گسترده با آن‌ها دارند. نهادمندی احزاب سیاسی این تعامل و تعلیم را تسهیل می‌کند. نظر به اهمیت نقش احزاب سیاسی در گذار به مرحله تثبیت دموکراتیک، مدل نظری این پژوهش به صورت شکل ۱ نمایش داده می‌شود.

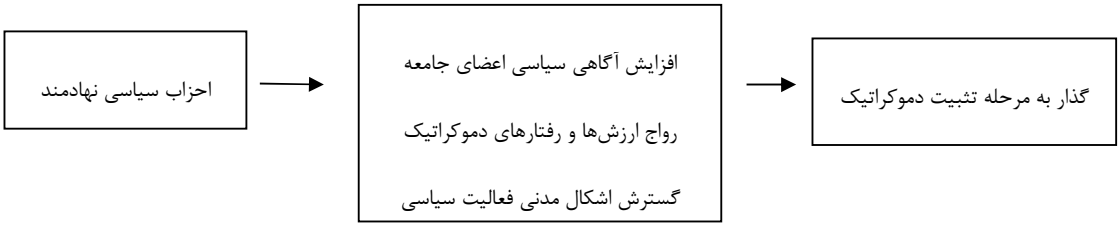

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

شکل ۱ مدل نظری

ساختار منطقی این مدل دلالت بر این دارد که به لحاظ نظری، نهادمندی احزاب سیاسی با افزایش آگاهی سیاسی جامعه، رواج ارزش‌ها و رویه‌های دموکراتیک در خلال فعالیت حزبی میان اعضا، ارائه سیاست‌های جایگزین و رقابت با دولت مستقر و عمل به عنوان اپوزیسیون در فراهم کردن زمینه ورود به مرحله تثبیت دموکراتیک تعیین‌کننده است. بر مبنای این مدل نظری فرضیه این مقاله در پاسخ به این پرسش که چرا دموکراتیزاسیون در ایران در مرحله گذار متوقف شد و در ترکیه به مرحله تثبیت وارد شد به این شکل صورت‌بندی می‌شود که احزاب سیاسی نهادمند شرط لازم برای تثبیت دموکراتیک است، در ایران نهادمندی احزاب سیاسی رخ نداده وگذار به تثبیت دموکراتیک در این کشور صورت نگرفته است. در ترکیه نهادمندی احزاب سیاسی رخ داده و این کشور در حال گذار به تثبیت دموکراتیک است

۲. چارچوب روش شناختی

مفاهیم اصلی این تحقیق تثبیت دموکراتیک و احزاب سیاسی نهادمند است که در این قسمت برای آن‌ها تعریف عملی با معرف‌های تجربی ارائه می‌شود.

احزاب سیاسی نهادمند: مهم‌ترین شاخص‌های سنجش نهادمندی احزاب[1] عبارت از ثبات در الگوهای رقابت میان حزبی[2] (تدوام در پیروزی و یا چرخش منظم قدرت میان احزاب)، ریشه داری احزاب در جامعه[3] (پایگاه اجتماعی احزاب)، مشروعیت احزاب و انتخابات[4] و سازمان حزبی قوی[5] است.

---

۱. این شاخص‌ها با رجوع به ادبیات موجود و به استناد پر ارجاع ترین تحقیقات استخراج شده است (برای مثال ر. ک به مورلینو، ۱۹۹۹؛ پریدهام، ۱۹۹۰؛ مینوارینگ و اسکولی، ۱۹۹۵)

2. Stability In Patterns of Interparty Competition
3. Party Rootedness in Society
4. Legitimacy of Parties and Elections
5. The Strong Party Organization

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تثبیت دموکراتیک: مقصود از تثبیت دموکراتیک حالتی است که در آن ساختارها و رویه‌ها دموکراتیک شده‌اند و دموکراسی مورد پذیرش اکثریت شهروندان، گروه‌ها و احزاب سیاسی بوده و از نظر آن‌ها مشروع است. معرف‌های تجربی این پژوهش برای ساختار دموکراتیک، تضمین رقابت انتخاباتی عادلانه و آزاد، و برای پذیرش دموکراسی، مشروعیت انتخابات و پذیرش نتایج انتخابات، و کنترل مدنی بر نیروهای نظامی است.

روش تحقیق: پژوهش حاضر تابع الزامات رویکرد تطبیقی تاریخی است که در آن تحلیل تفسیری تاریخی و تحلیل تبیینی حضور هم‌زمان دارند. واحد تحلیل در این پژوهش دوره‌های تاریخی و دوره‌های انتخاباتی پارلمانی و ریاست جمهوری است. برای ایران فاصله ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸ (۱۹۷۹– ۲۰۰۹) . در اینجا وقوع گذار دموکراتیک در انقلاب ۱۳۵۷، بازنگری قانون اساسی در ۱۳٦۸ و آثار آن بر ماهیت نظام سیاسی و مناسبات بازیگران، روی کار آمدن جبهه اصلاحات در مجریه و مقننه در دهه ۱۳۷۰، ناکامی اصلاح‌طلبان در حفظ قدرت در سال‌های بعد مورد توجه بوده است. در ترکیه کودتای سپتامبر ۱۹۸۰ موجب اختلال در فرایند دموکراتیزاسیون ترکیه شد، اما در ۱۹۸۳ قدرت به غیرنظامیان واگذار شد و پس آن به تدریج شرایط به نفع نیروهای مدنی تغییر کرد. مقاطع ۱۹۸۰– ۱۹۹۰، ۱۹۹۰– ۲۰۰۰ و ۲۰۰۰– ۲۰۰۹، با توجه به نوع مناسبات بازیگران سیاسی و نیروهای نظامی و تأثیر آن بر فرایندهای دموکراتیک بررسی شده‌اند (البته به این دلیل که در ترکیه انتخابات سراسری در این دوره‌ها برای ریاست جمهوری صورت نمی‌گرفته، به انتخابات پارلمان بسنده شده است). از آن‌جا که موضوع تحقیق از نوع واقعیات اجتماعی تاریخی است، اسناد تاریخی مربوط به این واقعیات واحد مشاهده بوده‌اند. این اسناد یا از سوی مراجع رسمی عرضه شده‌اند یا داده‌هایی درباره فعالیت احزاب هستند که با توجه به اساسنامه یا رجوع به بیانیه‌ها و برنامه‌های احزاب استخراج شده‌اند.

در این نوشتار برای تضمین اعتبار معرف‌ها از پژوهش‌ها و متون علمی موجود (مجموعه منابع داخلی و خارجی) و نظر صاحبان نظر دانشگاهی و اجتماع علمی استفاده شد. داده‌های تجربی با رجوع به اسناد مراکزی مثل کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس و تحلیل ثانویه گزارش‌های نهادها

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

و مؤسسات معتبر بین‌المللی مثل سازمان ملل، پروژه پولیتی[6]، شاخص جامعه مدنی و تحلیل ارزش‌های جهانی فراهم آمده است. رجوع به این منابع با روش‌های تحلیلی که در این متن به کار رفته است می‌تواند نتایج مشابهی تولید کند. تحلیل درون سیستمی با روش تاریخی روایتی و در سطح بین سیستمی با روش تحلیل بولی انجام شده است.

۳. تحلیل تجربی

در این قسمت تحلیل تجربی در دوسطح درون کشوری و بین کشوری انجام شده است.

۱-٤. درون کشوری

با رجوع به اطلاعات و اسناد موجود شاخص‌های نهادمندی ابتدا در ایران و در ادامه مطالعه شده است

ایران

ثبات الگوی رقابت میان احزاب: برخی صاحبان نظر اعتقاد دارند در جمهوری اسلامی ایران حزب به معنای رایج در ادبیات سیاسی و جامعه شناختی وجود ندارد و ما در واقع شاهد فعالیت جناح‌ها و سازمان‌های شبه حزبی هستیم (زیبا کلام، ۱۳۷۸؛ برزین، ۱۳۷۷؛ کامروا و حسن یاری، ۲۰۰٤). از این‌رو وقتی از الگوی مناسبات حزبی در ایران سخن می‌گوییم در واقع به تعاملات میان جناح‌ها نظر داریم. بر این اساس در سه مقطع یاد شده، الگویی باثبات از نظر دست به دست شدن بین دو جناح اصلی وجود دارد، اما از نظر عدم تغییر شدید آرا جناح‌ها یا ثبات مواضع، نوسان شدید در آرای جناح‌ها یا اعضای تشکیل‌دهنده آن‌ها به چشم می‌خورد. در دهه ۱۳٦۰ قوای مجریه و مقننه در اختیار جناح چپ بود و پس از آن حاکمیت جناح راست در اواخر دهه ۱۳٦۰ تا ۱۳۷٦، و پس از برتری کوتاه مدت چپ‌ها دوباره از اوایل دهه ۱۳۸۰ تا اوایل دهه ۱۳۹۰ چرخش به

6. Polity Project

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

راست[۷] دیده می‌شود (دلفروز، ۱۳۹۳: ۱۹)، این وضع حکایت از بی‌ثباتی رقابت داشته است و نهادمندی از این حیث ضعیف ارزیابی می‌شود.

مشروعیت احزاب و انتخابات: در خصوص امکان حضور احزاب مختلف در رقابت انتخاباتی، پذیرش احزاب و گروه‌های دیگر به عنوان رقبای مشروع، پذیرش انتخابات به عنوان مکانیزم اصلی دستیابی به قدرت و پذیرش نتایج انتخابات در دوره‌های انتخاباتی یاد شده، تنها می‌توان به مواردی انگشت شمار اشاره کرد. در دوره اول (۱۳۵۸–۱۳٦۸)، انتخابات مجلس اول (۱۳۵۸)، در دوره دوم (۱۳٦۸–۱۳۷۸)، انتخابات مجلس پنجم (۱۳۷٤) و ششم (۱۳۷۸)، ریاست جمهوری ششم (۱۳۷۲) و هفتم (۱۳۷٦) و در سومین دوره (۱۳۷۸– ۱۳۸۸)، انتخابات ریاست جمهوری دهم (۱۳۸۸) از نظر الگوی مناسبات حزبی می‌توانستند در نهادمندی احزاب مؤثر باشند. در مجلس اول ترکیبی متنوع و متعددی از احزاب و گروه‌های سیاسی مشارکت داشتند، نظارت شورای نگهبان وجود نداشت و وزارت کشور به صلاحیت نامزدها رسیدگی کرد. احزاب منتقد در انتخابات حضور داشتند و رقابت محدود به جریان‌های خاص نبود.

دوره دوم (۱۳٦۸– ۱۳۷۸) با انتخابات ریاست جمهوری ششم و هفتم و مجلس پنجم و ششم مقطعی قابل توجه به لحاظ الگوهای تعامل و مناسبات احزاب (در واقع جناح‌ها) و نیروهای سیاسی است. در انتخابات ریاست جمهوری ششم با وجود تعداد محدود نامزدها، مواضع انتقادی یکی از نامزدها نسبت به سیاست‌ها و برنامه اقتصادی نامزد دیگر که مجریه را در اختیار داشت، موجب شده بود رقابت انتخاباتی شکل واقعی‌تری به خود بگیرد و به صف‌آرایی گروه‌های متفاوت از نظر خط مشی تبدیل شود. با اعلام نتایج و مشخص شدن برنده انتخابات نیز نامزد منتقد تسلیم نتیجه شد و رفتار چالشی بروز نداد. انتخابات مجلس پنجم نیز با ورود نیروهای جدید و فعالیت برخی نیروهای منتقد (ملی مذهبی‌ها)، از دوره‌های پیشین متمایز می‌شد. اگرچه نظارت

۷. از اوایل دهه ۱۳۹۰، جهت‌گیری آرا بار دیگر متمایل به جناح چپ و اصلاح‌طلبان بوده است.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

استصوابی از گستره رقابت انتخاباتی می‌کاست، فعالیت نیروهای پذیرفته شده در رونق رقابت، افزایش انتقاد و آگاهی‌رسانی و در مجموع شفافیت فضای سیاسی مؤثر بود.

انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری (خرداد ۱۳۷٦) نیز فرصت مناسبی برای نهادمندی احزاب بود که البته پایدار نبود. در این انتخابات تبلیغات منفی، رفتارهای خلاف اصول دموکراتیک، نقض قواعد بازی سیاسی آزاد و عادلانه در فضای رقابت انتخاباتی وجود داشت، اما پس از سال‌ها فرصتی فراهم شده بود تا مسائلی که مستقیم با ماهیت دموکراتیک نظام سیاسی ارتباط دارند، مطرح شده و مورد بحث قرار بگیرند. نامزدی از درون حاکمیت از لزوم قانون‌گرایی، تضمین آزادی‌های سیاسی و مدنی شهروندان و حقوق ملت سخن می‌گفت و این به ویژه برای نسل جوان، طبقه متوسط روبه رشد و نیروهای به حاشیه رفته جذاب و انگیزشی بود. این انتخابات ضمن آن‌که پویایی خاصی به فعالیت احزاب داده بود با وارد کردن مؤلفه‌های جدید به گفتمان سیاسی، زمینه تغییر رفتار بازیگران سیاسی اصلی را از رقابت‌های فرسایشی و ویرانگر به نوعی همکاری و تعامل مسالمت‌آمیز فراهم کرد. محافظه‌کاران با وجود اشتباهات و رفتارهای نادرست در جریان فعالیت‌های انتخاباتی، در مرحله اعلام نتایج، مطابق با قواعد رقابت سالم عمل کردند و پیروزی رقیب را پذیرفتند (کاویانی، ۱۳۷۸:۲۰۸).

هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۰) نیز از نظر تعداد احزاب فعال، شکل مبارزه انتخاباتی و نزدیک شدن فعالیت نامزدها و حامیان آن‌ها به الگوهای منسجم و ساختاریافته فعالیت انتخاباتی در قالب نشست‌های حزبی، فیلم‌های تبلیغاتی، مناظره‌های تلویزیونی، سفرهای انتخاباتی، نظرسنجی در فضای مجازی، گفتگوهای دانشجویی و حمایت تشکیلات و انجمن‌های مختلف سیاسی اجتماعی، کمک‌های مالی به نامزدها و... شرایط مساعدی را برای نهادمندی احزاب فراهم ساخت. با این حال با نزدیک شدن به روز انتخابات و پس از اعلام نتایج و همچنین حوادثی که طی ماه‌ها و حتی سال‌های بعد رخ دادند، این ظرفیت نیز از بین رفت و بار دیگر نظام حزبی از نهادمندی دور شد (ر.ک. آسایش، ۲۰۱۰؛ پوش، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰؛ فرهی، ۲۰۱۲).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

ریشه‌داری احزاب در جامعه: توفیق احزاب در کسب پایگاه اجتماعی و ارتباط پایدار با شهروندان دیگر شاخص نهادمندی است که احزاب ایران در آن ناکام بوده‌اند. فقدان ریشه‌های اجتماعی موجب می‌شود احزاب بین مردم ناشناخته بمانند و به دنبال آن ضرورتی برای ساماندهی به برنامه‌های خود احساس نکنند. در چنین شرایطی شهروندان در تشخیص این‌که احزاب چه عامل و چه کسانی را نمایندگی می‌کنند، با مشکل مواجه می‌شوند و رفتار رأی‌دهی از انتخاباتی به انتخابات دیگر نوسان زیادی دارد. با ضعف در شناخت احزاب، مردم بیشتر به اشخاص رأی می‌دهند، زیرا کاندیدادها می‌توانند مستقیم به مردم توسل جویند. نتیجه این روند شخص‌گرایی، ضعف و ناپایداری احزاب و رواج سیاست‌های پوپولیستی است (ر.ک. زیتل و همکاران، ۲۰۰۷؛ مینوارینگ، ۱۹۹۹).

در ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ ریشه‌داری احزاب و نظام حزبی که معمولاً با میانگین عمر احزاب و یا تداوم پیروزی انتخاباتی آن‌ها ارزیابی می‌شود به استثنای موارد معدود (مثل مؤتلفه) محقق نشده است. در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳٦۸ احزابی هستند که پیش از برقراری نظام سیاسی جدید ایجاد شده بودند مدتی در صحنه حضور داشتند، اما بتدریج یا رسماً منحل شدند و یا در ساختار جدید حاکم جایی برای خود ندیدند[۸]. برخی احزاب خارج از کشور به فعالیت خود و عمدتاً در تقابل با نظام جمهوری اسلامی ادامه دادند. برخی نیز چون جبهه ملی با تغییراتی در صحنه ماندند و حتی برای برخی دوره‌ها فهرست انتخاباتی ارائه دادند. با وجود این هیچ یک در نفوذ به گروه‌های اجتماعی موفق نبودند.

در ایران اگرچه به نظر می‌رسد می‌توان در مورد جناح‌ها قائل به نوعی ریشه‌داری بود و برای مثال عنوان کرد که قشرهای سنتی و مذهبی‌تر بیشتر به جناح راست گرایش دارند و مدرن‌ها و تحصیل‌کرده‌ها به جناح چپ (قیصری و سنندجی، ۲۰۰۹؛ امینی، ۱۳۸۹)، اما اگر به سطح عضویت حزبی یا اعتماد به احزاب توجه کنیم بخش بزرگی از مردم وابستگی خاصی به احزاب ندارند مشاهده خواهیم کرد و ممکن

---

۸. مثل حزب توده که در اواخر سال ۱۳٦۲، منع فعالیت شد و یا سازمان مجاهدین خلق که از ۱۳٦۰ مشی مسلحانه علیه نظام سیاسی ایران در پیش گرفت و در نهایت از ایران خارج شد.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

است در دو انتخابات متوالی یا حتی در انتخاباتی مثل انتخابات مجلس که چند نامزد باید انتخاب شوند، رأی خود را به کاندیدادها و نامزدهای جناح‌های متفاوت بدهند، در واقع به اشخاص رأی دهند نه به احزاب. حتی گاهی خود نامزدها ترجیح می‌دهند از ظرفیت‌های شخصی برای پیروزی در انتخابات استفاده کنند و به صورت مستقل وارد صحنه شوند. برای مثال احمدی‌نژاد اگر چه از حمایت اصول‌گرایان برخوردار بود، خود را غیرحزبی و حتی ضد حزبی می‌دانست و در صدد جلب حمایت احزاب نبود (دلفروز، ۱۳۹۳:۲۳؛ امینی، ۱۳۸۹:۱۲۲).

سازمان حزبی قوی: فقدان ریشه‌های عمیق در جامعه موجب می‌شود که دیگر معیار نهادمندی نیز با اختلال مواجه شود، یعنی به لحاظ قدرت سازمان حزبی شاهد ضعف باشد. احزاب در شرایط نهادمندی از منابع مادی و انسانی بیشتری برخوردارند. تعداد اعضا زیاد است و آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی به آن‌ها ارائه می‌شود. شاخه‌های فرعی حزب و سازمان‌های تابعه آن در همه جا گسترش یافته و ضمن تبلیغ مرام حزب و جذب نیرو به گردآوری منابع مالی برای حزب می‌پردازد.

احزاب در ایران به استثنای چند مورد تاریخی و معدود مثل حزب توده فاقد مؤلفه‌های اساسی قدرت سازمانی بوده‌اند. با توجه به این‌که در ایران تمایل چندانی به عضویت رسمی در احزاب دیده نمی‌شود، تعداد اعضای احزاب محدود است و مجامع عمومی احزاب با تعدادی اندک برگزار می‌شود. تعداد کم اعضا سبب می‌شود در عمل آن‌ها بیشتر متمرکز بر سازماندهی هواداران و هم‌فکران هستند که این هم بیشتر در زمان انتخابات اتفاق می‌افتد. رواج شخص‌محوری[۹] نیز سبب‌شده تصمیم‌ها و رویه اداره امور در حزب متأثر از چند شخصیت خاص باشد؛ بنابراین احزاب ساختار دموکراتیکی ندارند و کمکی به انتشار ارزش‌های دموکراتیک نمی‌کنند. سطح پایین عضویت حزبی سبب

۹. جایگاه شخصیت‌ها و به طور خاص رهبران حزب در احزابی مثل اعتماد ملی و جبهه مشارکت در این مورد قابل بیان است. اولویت شخص بر برنامه سبب می‌شود برای مثال جبهه مشارکت در انتخابات دهم با طرح امکان نامزدی سید محمد خاتمی، شعار« یا خاتمی یا هیچ کس» را برگزیند و یا اعتماد ملی اعلام دارد کروبی در هیچ شرایطی کنار نمی‌رود (تابناک ۱۳۸۷/۷/۳).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

می‌شود احزاب از منابع مالی ناشی از حق عضویت محروم می‌شوند، کمک‌های داوطلبانه مردمی نیز به دلیل فقدان فرهنگ حزبی و نگرش مثبت به احزاب بسیار محدود است (فاضلی و دیگران، ۱۳۸۸؛ پیشگاهی فرد، ۱۳۸۲).

در این شرایط احزاب برای تأمین هزینه‌های خود به ویژه در زمان انتخابات و مبارزه انتخاباتی به شخصیت‌ها (مثل استفاده احزاب کارگزاران و جبهه مشارکت از موقعیت رؤسای جمهور هم دوره یعنی هاشمی رفسنجانی و خاتمی) یا کانون‌های ثروت و قدرت و منابع عمومی متوسل می‌شوند (استفاده تشکل رایحه خوش خدمت از تصویر احمدی‌نژاد در تبلیغات دوره سوم شوراها و هزینه‌های انتخاباتی دولت نهم برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری) (خبر آنلاین ۵/۱/ ۱۳۹۲؛ خبرگزاری فارس، ۷/۲٤/ ۱۳۹۰). نتیجه این وضعیت خدشه‌دار شدن استقلال احزاب و نیز تصویر عمومی و اعتماد مردم به آن‌ها خواهد بود. حتی رونق فعالیت حزبی در دوران اصلاحات نتوانست کمکی به بهبود نگرش به احزاب بکند.

در مجموع با توجه به ضعف شاخص‌های نهادمندی احزاب در سال‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷ می‌توان گفت نهادمندی احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران محقق نشده و از این‌رو نتیجه مورد نظر در تئوری پژوهش یعنی ورود به فاز تثبیت دموکراتیک تولید نشده است.

ترکیه

نتایج برخی پژوهش‌ها درباره ترکیه نشان داده‌اند که در میان تمام انجمن‌های داوطلبانه، عضویت در احزاب سیاسی، تعداد بیشتر و درصد بالاتری از مشارکت‌کنندگان در ترکیه را به خود جذب می‌کند (کارک اوغلو و کالایچی اوغلو، ۲۰۰۷). بنا بر نتایج این آثار مبارزات انتخاباتی حزبی، جلسات حزبی، عضویت و کار در احزاب، به رویه‌ای نهادمند در ترکیه تبدیل شده است در ادامه وضعیت نهادمندی احزاب در ترکیه بررسی می‌شود.

ثبات الگوی رقابت بین حزبی: نگاهی به نتایج هفت انتخابات سراسری برای پارلمان ترکیه در فاصله ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹ نشان می‌دهد احزابی میانه و راست طیف سیاسی

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

در بیشتر دوره‌ها احزاب اصلی پارلمان بوده‌اند. مام میهن در فاصله ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۱ یکی از سه حزبی بود که از شکاف در جنبش سکولاریستی راست میانه پدید آمده بود. در دوره دوم مورد مطالعه احزاب راه حقیقت و رفاه که در جناح راست قرار داشتند موفق به کسب بیشترین آرا در انتخابات ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵ شدند. تنها در انتخابات ۱۹۹۹ بود که حزب جناح چپی DSP، آرا بیشتری به دست آورد، اما حتی در این مورد احزاب اپوزیسیون اصلی از جناح راست بودند. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ در دو انتخابات ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ (و چند دوره پس از آن) اکثریت در اختیار حزب میانه راست عدالت و توسعه بوده است. به این ترتیب می‌توان گفت ترکیه در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹ در الگوی رقابت میان احزاب، ثبات نسبی داشته و چرخش شدید آراء وجود نداشته است. لذا معیار ثبات در ارزیابی نهادمندی تأمین شده است.

مشروعیت احزاب و انتخابات: با وجود وقوع چندین کودتا در تاریخ ترکیه جدید دموکراسی بازگشتی یه نسبت سریع و نرم داشته است. به بیانی دیگر در ترکیه دموکراسی عموماً انتخاب اول نخبگان و مردم بوده و اراده نظامیان معطوف به ایجاد رژیم اقتدارگرا نبوده است. با عادی شدن امور پس از کودتاها سازوکارهای دموکراتیک از جمله انتخابات برقرار شده و مبنای کار قرار می‌گیرد (ر.ک. اوزبودن، ۱۹۹۶؛ اوزگل، ۲۰۰۳؛ کارک اوغلو و کالایچی اوغلو، ۲۰۰۷). با این حال مداخله مستقیم ارتش و کودتای ۱۹۸۰، و مداخله غیرمستقیم آن در فوریه ۱۹۹۷، مشروعیت انتخابات و احزاب حاکم را به چالش کشید و منجر به انحلال احزاب شد. از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد با محدود شدن قدرت نظامیان فشار این نیرو برای انحلال احزاب یا مداخله سیاسی از سوی نیروهای مدنی خنثی شد و نظامیان ناگزیر به پذیرش شرایط جدید شدند.

در سطح عمومی نیز نتایج پژوهش‌های از گرایش‌های مردم به انتخابات و دیگر عناصر دموکراسی حاکی از میزان توجه و اهمیتی است که عامه به این امور می‌دهند (ر.ک. هریس، ۲۰۱۰، پیمایش ارزش‌های جهانی در ترکیه، موج چهارم، پنجم و ششم، ۲۰۰۱، ۲۰۰۷، ۲۰۱۱). البته در مواردی عملکرد احزاب و رهبران آن‌ها، دیدگاه مثبت و اعتماد عمومی نسبت به احزاب را تحت‌الشعاع قرار داده است. برای مثال در یک

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

نظرسنجی پاسخ‌دهندگان رهبران احزاب سیاسی موجود را در حل مسائل کشور، فاقد صلاحیت یا تا حدودی بی‌کفایت ارزیابی کرده و از کاهش اعتماد به آن‌ها سخن گفته‌اند، همچنین نظرسنجی دیگری در سال ۱۹۹۷ نشان داد از ۲۰۰۰ هزار شهروند ترکیه، ٪٦٦ بر این باور بودند که ارتش بهتر از غیرنظامیان می‌تواند حکومت کند (اکگون، ۸۷:۲۰۰۱)، حتی در این شرایط این باور که احزاب برای نظام دموکراسی ضروری هستند، تضعیف نشده است.

دهه ۱۹۹۰ اعتبار بسیاری از احزاب و رهبران آن‌ها فروکش کرد، نشانه‌های ضعف در سازمان‌های حزبی آشکار شد و تعداد افرادی کاهش یافت که با احزاب سیاسی هویت‌یابی می‌کردند (سایاری، ۲۰۰۲: ۱۰). اختلاف میان احزاب راست میانه و رهبران آن‌ها، عمومی شدن چند پرونده فساد و نتایج منفی سیاست‌ها، به محبوبیت احزاب صدمه زد و سبب رویگردانی رأی‌دهندگان از آن‌ها شد (ر.ک. سینار و همکاران، ۲۰۰۲). روی کار آمدن عدالت و توسعه[10] در انتخابات ۲۰۰۲ و تداوم موفقیت آن در انتخابات دوره‌های بعد، به دلیل عملکرد مطلوب، نوع نگاه عمومی به احزاب و فعالیت حزبی را تغییر داد. ارائه کارنامه موفق اقتصادی سیاسی از سوی حزب، و استفاده از کادری که نسبت به مقام‌ها و کادر ارشد احزاب سیاسی دیگر، آلوده به انواع فسادهای اقتصادی و سیاسی نبودند، میانه‌روی و اعتدال حزب، همچنین حذف افراط تندرو از لیست‌های انتخاباتی در کنار جذب چهره‌های لائیک و تکنوکرات برجسته در جذب آرا و تثبیت قدرت حزب برای دوره‌های انتخاباتی متوالی مؤثر بود.

در نگاه کلی به مقطع ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹، به نظر می‌رسد نهادمندی در شاخص مشروعیت احزاب و انتخابات تنها در سال‌های ۲۰۰۰- ۲۰۰۹ وضعیت مطلوبی داشته است. در دوره نخست کودتای ۱۹۸۰ و پس از آن مواضع حزب حاکم از ۱۹۸۳ به بعد در برابر احزاب دیگر و حق آن‌ها برای ورود به رقابت سیاسی نشان می‌دهد مشروعیت انتخابات و احزاب در عمل از سوی نخبگان مخدوش شده است. در دوره بعد (۱۹۹۰- ۲۰۰۰) همچنان مواضع تقابلی احزاب حتی احزاب با ایدئولوژی‌های مشابه مداخله ارتش

10 AKP

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

در ۱۹۹۷ توقیف و انحلال احزاب نشان از ضعف مشروعیت انتخابات و احزاب دارد. از ابتدای دوره سوم (۲۰۰۰– ۲۰۰۹) در سطوح مختلف نظام سیاسی، اصول و ساز و کار رقابت دموکراتیک پذیرش گسترده‌تری پیدا کرده است. طبق نتایج ظرسنجی‌ها میزان اعتماد به احزاب، مشارکت، تساهل و مصالحه در این مقطع افزایش یافته‌اند (نظرسنجی سراسری ترکیه، ۲۰۰۹، موج ششم ارزش‌های جهانی ترکیه، ۲۰۱۱).

ریشه‌داری احزاب در جامعه: در سال‌های اولیه پس از کودتای ۱۹۸۰ با توجه به محدودیت‌های مقرر شده بر فعالیت احزاب و ناتوانی آن‌ها از تشکیل سازمان‌ها و شاخه‌های فرعی، احتمال برخورداری احزاب از ریشه‌های اجتماعی گسترده و عمیق کاهش می‌یافت. به استثنای احزابی که به نوعی میراث‌دار احزاب منحل شده دوره پیش از کودتا بودند (مثل حزب رفاه)، ضعف ریشه‌های اجتماعی تقریباً در تمام احزاب دیده می‌شد.

در دوره دوم قطبی شدن نظام حزبی فقدان یا ناپایداری ریشه‌های اجتماعی احزاب را بیشتر آشکار می‌کرد. این قطبی شدن بیشتر مبتنی‌بر تضاد در حال رشد میان سکولارها و اسلام‌گرایان بود که با صعود حزب رفاه در انتخابات ۱۹۹۵ تشدید شد. حزب رفاه به لحاظ پایگاه اجتماعی موقعیت خوبی داشت، اما به سبب گرایش‌های خود از سوی نهادهای سکولار محدود و منحل شد. پایگاه اجتماعی حزب خلق جمهوری‌خواه[11] بیشتر در میان طبقات متوسط تحصیل‌کرده و بالای متوسط بود؛ بنابراین بیشتر به مناطق شهری و کلان‌شهرها محدود می‌شد و نمی‌توانست در مناطق روستایی و شهرهای کوچک‌تر ریشه بدواند که به لحاظ ایدئولوژیک نیز فاصله بیشتری از این حزب داشتند. پایگاه اجتماعی که از حزب عدالت دهه ۱۹۷۰ به حزب رفاه رسیده بود، پس از انحلال رفاه به جانشین آن حزب فضیلت تعلق گرفت. پس از انحلال حزب فضیلت در ۲۰۰۱ نوگرایان این حزب به رهبری رجب طیب اردوغان و عبدالله گل AKP را تشکیل دادند و بخش بزرگی از این پایگاه اجتماعی را در اختیار گرفتند. می‌توان گفت در میان احزاب پس از کودتای ۱۹۸۰ به لحاظ ریشه‌داری احزاب در جامعه نمره بالاتر به مقطع

11 CHP

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

سوم اختصاص می‌یابد. به ویژه آن‌که در کنار AKP حزب اپوزیسیون CHP قرار دارد که به عنوان حزب دوم پارلمان از ۲۰۰۲ به بعد توانسته است آراء بالایی داشته باشد.

سازمان حزبی قوی: ضعف‌های ساختاری و ساز و کار داخلی الیگارشیک همواره بر قدرت نهادی احزاب در ترکیه تأثیر نامطلوبی برجای گذاشته است. احزاب مهم چپ و راست وابسته به رهبران مسن و محافظه‌کار خود بودند (مثل دمیرل، اربکان، تورکیس) و ضعف ایدئولوژیک خود را با شخص‌گرایی و هژمونی رهبری پوشش می‌دادند (اسلان ایکمان، ۲۰۱۲؛ سینکایار، ۲۰۱۱).

پس از کودتای ۱۹۸۰، تا دوره سوم، به جز حزب رفاه، احزاب دیگر عموماً به لحاظ سازمانی دچار ضعف بودند و توفیقی در گسترش شاخه‌های محلی و زیرمجموعه‌های تشکیلاتی مثل زنان و جوانان نداشتند. در دوره سوم CHP وضعیت خوبی در این شاخص داشت و به شبکه‌ای گسترده از سازمان‌های استانی با اعضایی مشتاق و متعهد در سراسر ترکیه می‌بالید. با این حال این حزب نمونه برجسته تضعیف تدریجی سازمان حزبی احزاب چپ در مقابل رهبر بود که عدم ارتباط میان رده‌های مختلف در حزب را گسترش می‌داد (اوزبودن، ۲۰۰٦: ۱۳۲). عدالت و توسعه نیز سازمانی قدرتمند بنا کرد. اکمان[12] با اشاره به نفوذ سازمانی حزب در توده‌های سازمان نیافته و شبکه فعالان و مبارزان حزبی آن می‌نویسد سازمان‌های کمکی و جلسات سازمان‌یافته امکان گسترش تعلق حزبی، آموزش نیروهای جدید و افزایش اعضا را برای حزب فراهم ساخت و با این منابع نهادمندی حزب را سرعت و قدرت بخشید (اسلان اکمان، ۲۰۱۲: ۱٦۸).

با نگاه به مجموع شاخص‌ها در دوره پس از کودتای ۱۹۸۰ می‌توان گفت تنها از ابتدای هزاره سوم نظام حزبی ترکیه در معیارهای نهامندی وضعیت مطلوبی داشته است (با توجه به ثبات نتایج در رقابت حزبی و تداوم موفقیت AKP در چندین انتخابات، ریشه‌داری در میان گروه‌های اجتماعی در سراسر کشور، تأکید بر اصول دموکراسی و قانون اساسی جمهوری ترکیه، ساختار سازمانی منضبط و تشکیلات فرعی گسترده و

12 Akman

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

عضوگیری فراگیر) و به این ترتیب امکان تأثیرگذاری احزاب بر آغاز مرحله تثبیت فراهم شده است. علاوه‌بر این محدود شدن مداخله نظامیان در سیاست از طریق اصلاحات قانونی حزب و بهره‌گیری آن از همراهی رسانه‌ها و افکار عمومی، این روند را تسریع و تسهیل کرد. از نظر هپر[13] مهم‌ترین سهم AKP و اردوغان در دموکراسی ترکیه پایان دادن به نفوذ ارتش و دستگاه قضایی در سیاست است (هپر، ۲۰۱۳:۱۵۰).

در سطح عمومی نتایج نظرسنجی‌ها از گرایش به دموکراسی و ارزش‌های مرتبط با آن مثل اعتماد، تساهل، اعتدال، همکاری و مشارکت در دوره سوم (۲۰۰۰– ۲۰۰۹) حکایت دارد. برای مثال در حالی که پیمایش ارزش‌های جهانی موج پنجم ترکیه (۲۰۰۷) از جمعیت نمونه ۱۳٤٦ نفری، ٤/۸ درصد با گویه بیشتر مردم قابل اعتماد هستند، موافق بودند در پیمایش موج ششم (۲۰۱۱)، از نمونه ۱٦۰۵ نفری، ۱۱/٦ درصد اعلام موافقت کرده‌اند. در سه دوره ۲۰۰۱، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱، بیش از ٪٦۰ بر اهمیت تساهل تأکید داشته‌اند. طبق نتایج پیمایش موج ششم ارزش‌های جهانی در ترکیه ۲۰۱۱، ۸۰/٤ درصد پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند که همیشه در انتخابات سراسری شرکت می‌کنند و بیش از ٪۵۰ اعلام کرده‌اند که زندگی در کشوری با حکومت دموکراتیک کاملاً اهمیت دارد و به همین میزان اظهار داشته‌اند که دموکراسی را به عنوان بهترین شکل حکومت برای کشور خود می‌پسندند (موج پنجم و ششم ارزش‌های جهانی ترکیه، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱).

در نهایت و با استناد به داده‌های موجود و تأیید کارشناسان حوزه سیاست ترکیه، عملکرد AKP هم در جایگاه کنشگر جامعه مدنی و هم به عنوان نیروی حاکم با تحدید نقش و مداخله نیروهای غیرمدنی (عمدتاً نظامیان) و با گسترش ارزش‌های دموکراتیک با فعالیت‌های حزبی، جذب اعضا و تربیت نیروهای سیاسی و اصلاحات قانونی در جهت گشایش مسائل اقلیت‌ها، دموکراتیزاسیون ترکیه را به مرحله تثبیت وارد کرده است (ر.ک. کینیکلی اوغلو، ۲۰۱۱؛ هپر، ۲۰۱۳؛ باسکان، ۲۰۱۲؛ توپکواوغلو، ۲۰۰٦).

در ادامه به صورت تطبیقی نقش نهادمندی احزاب را در تفاوت وضعیت دو کشور در ورود به مرحله تثبیت مطالعه خواهیم کرد.

---

13 Heper

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۲-٤. تحلیل بین کشوری

برای تحلیل تطبیقی تاریخی بین کشوری از جبر بولی استفاده شده است. بر مبنای داده‌هایی که از روش تاریخی روایتی به دست آمده‌اند، دو جدول یکی برای احزاب سیاسی نهادمند و جدولی دیگر برای تثبیت دموکراسی ترسیم می‌شود. در جدول ۱ کیفیت معرف‌های نهادمندی احزاب دوره‌های مختلف تعیین شده دو کشور درج شده و در جدول ۲ با ارزش‌های صفر و یک حضور و غیاب مفاهیم اصلی دو سیستم نشان داده شده است. با توجه به این‌که این ارزش‌ها برحسب ارزش‌های کم و زیاد هم استوار می‌شوند، مقادیر داده شده به معنای حضور و غیاب مطلق نیست؛ بنابراین کم با ارزش صفر و زیاد با ارزش یک نشان داده می‌شود. برای مثال در مورد نهادمندی نظام حزبی در ایران برخی شاخص‌ها مثل مشروعیت احزاب و انتخابات (حق رقابت برای دیگر احزاب و تأیید فرایند و نتایج انتخابات در ابتدای دوره نخست، اواخر دوره دوم)، ریشه‌داری در جامعه (بعضی احزاب در دوره اول و دوم مثل مؤتلفه) و یا برخوداری از سازمان حزبی قوی (دوره نخست مثل حزب توده) و در مورد ترکیه، ثبات الگوی رقابت (دوره اول با حزب مام میهن) و ریشه‌های اجتماعی و سازمان حزبی قوی (دوره دوم با حزب رفاه) مشاهده می‌شود، این شاخص‌ها هیچ‌گاه در سطح بالا در مقاطع مورد بحث دیده نشدند فقط در مقایسه با دیگر احزاب وضع بهتری داشتند؛ بنابراین در مجموع دوره به اثربخشی احزاب سیاسی منجر نشدند.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

جدول ۱ وضعیت احزاب سیاسی (همه موردها، همه دوره‌ها)

دوره‌ها و موردها		A	B	C	D	E
ایران ۱۳۵۸- ۱۳٦۸		۱	۰	۱	۰	۰
ایران ۱۳٦۸- ۱۳۷۸		۰	۰	۰	۱	۰
ایران ۱۳۷۸- ۱۳۸۸	۱۳۷۸-۱۳۸۰	۰	۰	۰	۱	۰
	۱۳۸۰- ۱۳۸۸	۰	۰	۰	۰	۰
ترکیه ۱۹۸۰- ۱۹۹۰		۱	۰	۱	۰	۰
ترکیه ۱۹۹۰- ۲۰۰۰		۰	۱	۰	۰	۰
ترکیه ۲۰۰۰- ۲۰۰۹		۱	۱	۱	۱	۱

ثبات الگوی رقابت= A، ریشه‌داری احزاب در جامعه= B، سازمان حزبی قوی= C، پذیرش احزاب و انتخابات = D، احزاب سیاسی نهادمند= E

براساس اطلاعات جدول، E (احزاب سیاسی نهادمند) زمانی محقق می‌شود که ترکیبی از چهار معرف آن به صورت قدرتمند حضور داشته باشند که تنها در یک دوره از یک مورد رخ داده است (ترکیه دوره سوم). با این توضیح که معرف‌های ضعیف با حروف کوچک نمایش داده شوند و معرف‌های متوسط و قوی با حروف بزرگ، الگوی علی که از جدول استخراج می‌شود به صورت رابطه (۱) خواهد بود.

$$E= AbCd+ abcD+ abcD+ abcd+ AbCd+ aBcD+ ABCD \qquad (۱)$$

این معادله را می‌توان با استفاده از قاعده کمینه‌سازی در جبر بولی به صورت ترکیب علّی ساده‌تری نمایش داد. قاعده این است «اگر دو عبارت بولی تنها در یک شرط علّی با یکدیگر متفاوت باشند و هر دو یک نتیجه (معلول واحد) را تولید کنند، در آن صورت آن شرط علّی را که سبب تمایز این دو عبارت است، حذف و عبارت ترکیبی ساده‌تری ارائه می‌شود» (ساعی، ۱۳۹۲:۷۹). با اعمال قاعده، رابطه (۲) زیر حاصل می‌شود.

E= ABCD	(۲)

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

براساس این معادله نهادمندی احزاب سیاسی زمانی محقق می‌شود که الگوی رقابت میان احزاب ثبات و احزاب در جامعه ریشه داشته و از سازمان قوی برخوردار باشند و احزاب و انتخابات مشروعیت داشته باشند.

جدول ۲. ارزش بولی برای گذار به مرحله تثبیت دموکراسی

موردها و دوره‌ها		A	B	C	D
ایران	۱۹۷۹ –۱۹۸۹	۰	۰	۰	۰
	۱۹۸۹ –۱۹۹۹	۰	۰	۰	۰
	۱۹۹۹ –۲۰۰۹	۰	۰	۱	۰
ترکیه	۱۹۸۰ –۱۹۹۰	۰	۰	۰	۰
	۱۹۹۰ –۲۰۰۰	۰	۰	۱	۰
	۲۰۰۰ –۲۰۰۹	۱	۱	۱	۱

نهادمندی احزاب سیاسی= A، کاهش فعالیت بازیگران غیرمدنی (نظامیان)= B،

رواج ارزش‌ها و رفتارهای دموکراتیک= C، گذار به مرحله تثبیت دموکراسی = D

الگوی علی تثبیت دموکراتیک برآمده از داده‌های جدول به صورت رابطه (۳) خواهد بود.

$$D= AB+AC \qquad (۳)$$

براساس این الگو تثبیت دموکراتیک زمانی رخ می‌دهد که احزاب سیاسی نهادمند حضور داشته باشد و فعالیت بازیگران غیرمدنی (نظامیان) کاهش یابد یا نهادمندی احزاب سیاسی حضور داشته باشد و حضور ارزش‌ها و رفتارهای دموکراتیک تحقق یابد. دوره سوم مورد بررسی در ترکیه با تئوری انطباق دارد و حضور هم‌زمان نهادمندی احزاب سیاسی و آغاز تثبیت را نشان می‌دهد. به همین ترتیب تبیین چرایی توقف ایران به مرحله گذار و عدم ورود به مرحله تثبیت با استفاده از قانون دمورگان در تبیین بالا قابل حصول است. در این مرحله ترکیباتی از شروط علّی بررسی می‌شوند که با عدم حضور آن‌ها معلول نیز غایب باشد (نتیجه منفی). به این صورت که علت‌های حاضر در معادله بولی تبدیل به غایب و علت‌های غایب

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

تبدیل به حاضر می‌شوند. علامت منطقی «و» به «یا»، (ضرب به جمع) و علامت منطقی«یا» به «و»، (جمع به ضرب) تبدیل می‌شود، معادله حاصل از قانون دمورگان برای عدم ورود ایران به مرحله تثبیت عبارت از رابطه (٤) خواهد بود.

$$d= (a+ b)\ (a + c) \rightarrow\ ac + bc \qquad (٤)$$

آغاز نشدن مرحله تثبیت دموکراتیک در ایران براساس الگوی بالا معلول عدم نهادمندی احزاب سیاسی، و فعالیت سیاسی بازیگران غیرمدنی (حضور کنشکران نظامی در عرصه سیاسی) و محدود یا غایب بودن ارزش‌های دموکراتیک است.

٤. نتیجه گیری

در این مقاله از طریق مطالعه تطبیقی تجربه دموکراتیزاسیون دو کشور ایران و ترکیه در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۹ مسأله تثبیت دموکراسی مورد بررسی قرار گرفت. شواهد تجربی و نتایج تحقیق در مقطع بررسی شده (۱۳۵۸–۱۳۸۸) ایران، این کشور را در این بازه فاقد احزاب سیاسی نهادمند و یا در بهترین حالت با نهادمندی ضعیف نشان دادند. در مقایسه با وضعیت ایران که تقریباً هیچ‌گاه نظام حزبی قدرتمندی را تجربه نکرده است، ترکیه با سابقه طولانی از سیستم حزبی و تجربه نهادمندی حزبی در AKP، از ظرفیت‌های این عامل در ورود به فرایند تثبیت استفاده کرده است. طبق تجربه ترکیه حضور هم‌زمان چهار معرف ثبات الگوی رقابت میان احزاب، ریشه‌داری احزاب در جامعه، مشروعیت احزاب و انتخابات و سازمان حزبی قوی برای تحقق نهادمندی احزاب و آغاز فرایند تثبیت ضروری است.

در پایان اشاره به این نکته ضروری است که وقتی بپذیریم اشکال و درجات مختلف از دموکراسی وجود دارد، پذیرش این نکته نیز ضرورت می‌یابد که تنها یک نوع دموکراسی تثبیت شده و یک شکل ورود به فاز تثبیت دموکراتیک وجود ندارد. احتمال حضور مسیرهای مختلف وجود دارد، اما نکته تعیین کننده آن است که با توجه به شرایط زمینه‌ای، ساختارها و کنشگران، کدام مسیر به نتیجه مطلوب منتهی خواهد شد. به لحاظ نظری احزاب سیاسی نهادمند رواج ارزش‌هایی همکاری، مشارکت و تساهل را ممکن می‌سازد و با تأمین مجاری نهادینه و قانونی فعالیت سیاسی و مدنی، فعالیت‌ها و بازیگران غیرسیاسی و غیرمدنی (به ویژه نظامیان) را

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

محدود می‌کند. عضویت در احزاب و فعالیت حزبی، البته احزابی که در ساختار و ایستار دموکراتیک هستند، مهارت‌های دموکراتیک را به اعضا آموزش می‌دهد. افراد به این‌گونه هنجارها و رویه‌ها خو می‌گیرند و در سطوح دیگر آن را از بازیگران، نهادها و تصمیم‌گیران اصلی نظام های سیاسی مطالبه می‌کنند. به لحاظ عملی نیز تجربه ترکیه در مقطع مورد بحث نیز می‌تواند توانایی رویکرد اجتماعی را در تبیین مسأله تثبیت دموکراسی تأیید کند. افزایش نقش احزاب در جامعه ترکیه، گسترش عضویت حزبی، فعالیت احزاب منتقد، طرفداری از اصول و ارزش‌های دموکراتیک در سطح جامعه، نشان می‌دهد تشکل اجتماعی در قالب احزاب سیاسی نهادمند در تسهیل گذار به مرحله تثبیت نقش آفرین بوده است.

در خصوص ایران تحقق این وضعیت منوط به شروط و مقدماتی است که از جمله آن به لحاظ قانونی، بازنگری در قانون فعلی احزاب، ارائه تعریف جامع و مانع از حزب و فعالیت حزبی و تفکیک آن از گروه‌هایی مثل انجمن‌های اسلامی، اتحادیه‌های صنفی ضروری است تا از این طریق جایگاه واقعی احزاب درون ساختارهای سیاسی، ارتباط آن با دولت، مردم و دیگر نهادهای مدنی روشن گردد. عملکرد رسانه‌ها و مطبوعات مستقل با شفاف سازی فعالیت‌های سیاسی در جلوگیری از تخلف و کژکارکردی احتمالی این نهادها، جلب اعتماد مردم به آن‌ها و تمایل به مشارکت در آن مؤثر خواهد بود. تمرکز بر برنامه محوری و ترک پوپولیسم، پرهیز از رفتارهای افراطی از سوی احزاب، و رفع محدودیت‌های مشارکت و رقابت واقعی نیروهای سیاسی، آموزش و ترویج فرهنگ سیاسی مشارکت‌جویانه و همکارانه بین افراد در مجموع می‌تواند برای تحقق احزاب سیاسی نهادینه، قدرتمند و نقش‌آفرین در گذار به تثبیت دموکراتیک در ایران تعیین کننده باشد.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی، محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۰)، *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- اسکاچ‌پل، تدا (۱۳۷٦)، *دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی*، ترجمه مجید رویین تن، تهران: سروش.
- اینگلهارت، رونالد و کریستنسن ولزل (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- برزین، سعید (۱۳۷۷)، *جناح‌بندی سیاسی در ایران از دهه ۱۳٦۰ تا دوم خرداد ۱۳۷٦*، تهران: مرکز.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران*، چ ۲، تهران: نگاه معاصر.
- بیتهام، دیوید (۱۳۸۹)، *دموکراسی، راهنمای نوآموز*، گروه مترجمان، تهران، مجد.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و علی صادقی (۱۳۸۲)، *مشارکت احزاب در توسعه سیاسی و رفتار انتخاباتی در شهرستان اصفهان*، پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۵، شماره ٤٤، صفحات، ۱۱– ۲۲.
- توکویل، آلکسی شارل هانری (۱۳۸۳)، *تحلیل دموکراسی در آمریکا*، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، چاپ دوم، تهران، علمی فرهنگی.
- دلفروز، محمد تقی (۱۳۹۳)، *شاخص‌های نظام حزبی مطلوب و وضعیت کنونی احزاب در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- ساعی، علی(۱۳۸٦)، دموکراتیزاسیون در ایران، انتشارات آگاه .
- فاضلی، محمد (۱۳۸۹) *بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی (تجربه دموکراسی در ایران، ترکیه و کره جنوبی)*، تهران: آگاه.
- فوران، جان (۱۳۸۲)، *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، چ چهارم، تهران: رسا.
- کاویانی، حمید (۱۳۷۸)، *رمز پیروزی یک رییس جمهور، رویارویی منابع قدرت در انتخابات هفتم ریاست جمهوری*، تهران: موسسه ذکر.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- کرونین، استفانی (۱۳۸۵)، *ارتش، جامعه مدنی و دولت در ایران*، ۱۳۰۰- ۱۳۰۵، در تجدد آمرانه، جامعه و دولت در عصر رضاشاه، تورج اتابکی، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۷- ۱۸۱.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵)، *مطبوعات سال‌های نخست انقلاب اسلامی*، ماهنامه کلک، شماره ۸٤، ٦۱- ۹۰.
- هانتینگتن، ساموئل (۱۳۷۳)، *موج سوم دمکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمهٔ احمد شهسا، تهران، روزنه.
- مور، برینگتون (۱۳۸۲)، *ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی (نقش ارباب و دهقان در روند نوین‌سازی)*، ترجمه یوسف نراقی، تهران: فروزان.
- هیرو، فیلیپ (۱۳۸٦)، *ایران در حکومت روحانیون*، ترجمه محمد جواد یعقوبی دارابی، تهران: باز.

- Akgun, B., (2001). "Aspects of party system development in Turkey", *Turkish studies*, 2(1), pp. 71-92.
- Aknur, Muge, (2012). *Democratic consolidation in Turkey: State, political parties, civil society, civil-military relations, socio-economic development, EU, rise of political Islam and separatist Kurdish nationalism*, Universal-Publishers.
- Armony, Ariel C., (2004). *The dubious link: civic engagement and democratization*, the board of trustees of the Leland Stanford Junior University.
- Asayesh, Hossein, Adlina Ab. Halim, Seyede Nosrat Shojaei (2010), "Obstacles of political party development in Iran", *Report and opinion journal*, 2(10), pp. 28-32.
- Aydnl, Erse l, (2012), "Civil-military relations transformed", *Journal of democracy*, 23(1), pp. 100-8.
- Baskan, Filiz, (2012), "Accomodating political Islam in Turkish democracy", in *Democratic consolidation in Turkey*, Muge Aknur (Ed.), pp. 345-74.
- Canan, Aslan Akman, (2012), "Democratic consolidation and institutional challenges for political parties and the party system in

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

Turkey", in *Democratic consolidation in Turkey*, Aknur (Ed.), pp. 143-78.

- Carkoglu, Ali and Ersin Kalaycioglu, (2007). *Turkish democracy today, elections, protest and stability in an Islamic society*, I. B.Tauris & Co Ltd.
- Commission of the European Communities (2002-3), *Regular report, commission of the European communities on Turkey's progress towards accession*, Brussels.
- Diamond, Larry, (1997b). *Consolidating the third wave democracies*, Johns Hopkins University Press.
- Diamond, Larry, (1999). *Developing democracy: toward consolidation*, Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Diamond, Larry & Richard Gunther, (2001). *Political parties and democracy*, Johns Hopkins University Press.
- Diamond, Larry, (1994). "Rethinking civil society: toward democratic consolidation", *Journal of democracy*, 5(3), pp. 4-17.
- Farhi, Farideh, (2008). "Iran's 2008 Majlis elections: the game of elite competition", *Middle East brief*, 29, pp. 1-8.
- Gheissari, Ali & Kaveh-Cyrus Sanandaji, (2009). "New conservative politics and electoral behavior in Iran", in *Contemporary Iran: economy, society, politics*, Ali Gheissari (Ed.), Oxford University Press, pp. 275-98.
- Hale, William, (1994). *Turkish politics and the military*, Psychology press.
- Heper, Metin, (2013). "Islam, conservatism, and democracy in Turkey: comparing Turgut Özal and Recep Tayyip Erdoğan", *Insight Turkey*, 15(2), pp. 141-56.
- Jahanbegloo, Ramin, (2010). "Iran on the edge", *New perspectives quarterly*, 27(2), pp. 27-30.
- Kamrava, Mehran & Houshang Hassan-Yari, (2004). "Suspended equilibrium in Iran's political system", *The Muslim world*, 94, pp. 495-524.
- Kamrava, Mehran, (2007). "The Middle East's democracy deficit in comparative perspective", *Perspectives on global development and technology (PGDT 6)*, pp. 189-213.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- Komsuoglu, Aysegul & Gul M. Kurtoglu Eskisar, (2012). "The rise of political Islam and democratic consolidation in Turkey", in *Democratic consolidation in Turkey*, Muge Aknur (Ed.), pp. 281-306.
- Kiniklioglu, Suat, (2012). "The case of Turkey, normalizing relations with the military", in *Political parties in democratic transition, a DIPD reader*, Greg Power and Rebecca Shoot (Eds.), Denmark.
- Lipset, Seymour Martin, (1959). "Some social requisites of democracy: economic development and political legitimacy", *The American Political Science Review*, 53(1), pp. 69-105.
- Linz, Juan & Alfred Stepan, (1998). "Towards consolidated democracies", in *The changing nature of democracy*, Takashi Inoguchi, Edward Newman, and John Keane (Eds.), pp. 48-67, Tokyo: United Nations University Press.
- Mainwaring, Scott, (1998). *Rethinking party systems theory in the third wave of democratization, the importance of party system institutionalization*, Kellogg institute for international studies, University of Notre Dame.
- Mainwaring, Scott & Timothy R. Scully, (1995). *Building democratic institutions: party systems in Latin America*, Stanford University Press.
- Morlino, Leonardo, (1995). "Political parties and democratic consolidation in southern Europe", in *The politics of democratic consolidation southern Europe in comparative perspective*, Richard Gunther, P. Nikiforos Diamandouros, and Hans-Jürgen Puhle (Eds.), Johns Hopkins University Press.
- Paxton, Pamela, (2002). "Social capital and democracy: an interdependent relationship", *American sociological review*, 67(2), pp. 254-77.
- Posch, Walter, (2010). *A last chance for Iran's reformists? The green struggle reconsidered*, Presentation on 17 March, at the European Parliament.
- Posch, Walter, (2005). "Islamist Neo-Cons take power in Iran", *Occasional paper No.* 3, Ljubljana institute for security studies.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- Posch, Walter, (2009). "Prospects for Iran's 2009 presidential elections", *Middle East Institute policy brief*, 24.
- Pridham, Geoffrey, (1995). *Transitions to democracy: comparative perspectives from Southern Europe, Latin America and Eastern Europe*, Dartmouth.
- Putnam, Robert D., (1993). "The prosperous community: social capital and public life", *The American prospect*, 13, pp. 35-42.
- O'Donnell, G., Schmitter, P. & L. Whitehead, (1986) (Eds.) *Transitions from authoritarian rule: comparative perspectives*. Johns Hopkins University Press.
- Özbudun, Ergun, (2006a). "Changes and continuties in the Turkish party system, *Representation*, 42(2), pp. 129-37.
- Özbudun, Ergun, (1996). "Turkey: How far from consolidation?", *Journal of democracy*, 7(3), pp. 123-38.
- Özbudun, Ergun, (2000). *Contemporary Turkish politics: challenges to democratic consolidation*, Lynne Rienner Publishers.
- Rahimi, Babak, (2007). "Iran: The 2006 elections and the making of authoritarian democracy", *Nebula*, 4, 285-90.
- Sayari, Sabri, (2002). "The changing party system", in *Political parties and elections in Turkey*, Sayari, Sabri and Yılmaz Esmer (Eds.), London: Lynne Rienner Publisher, pp. 9-32.
- Schedler, Andreas, (1997). "What is democratic consolidation", *Journal of democracy*, 9, pp. 91-107.
- Topcuoglu, Leman Sinem, (2006). *The conservative-democratic identity of justic and development party in the Turkish center-right tradition*, Ankara University.
- Uzgel, Ilhan, (2003). *Between praetorianism and democracy: the role of the military in Turkish foreign policy*, Turkish Yearbook.
- Ulus, Özgür Mutlu, (2011). *The army and the radical left in Turkey, military coups, socialist revolution and Kemalism*, I. B.Tauris & Co. Ltd, UK.
- Usul, Ali Resul, (2011). *Democracy in Turkey: the impact of EU political conditionality*, Routledge.
- Warren, Mark E., (1999). *Democracy and trust*, Cambridge University Press.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- World Values Survey, (1999-2004). Turkey 2001; (2005-2009), Turkey 2007; (2010-2014), Turkey 2011.
- Yildirim M, (2015). "The development of democratic consolidation in Turkey since 2000s", *International journal of social science and humanity*, 5(3), pp. 252-7.
- Zittel, Thomas & Dieter Fuchs, (2007). *Participatory democracy and political participation, can participatory engineering bring citizens back in?*, Routledge.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]